

ای یاران جانی عبدالبهاء هر دم آرزوی آن دارم که بیاد شما پردازم و نامه نگارم و زبان بنعت و ستایش بگشایم زیرا بندگان درگاه اسم اعظمید و عاشقان روی جمال قدم مشتاق جمال دلبر عالمید و آشفتهء موی شاهد انجمن سزاوار هر نعت و ستایشید و لایق هر موهبت در جهان آفرینش زیرا از دست ساقی هدایت باده عنایت نوشیدید و از جام کلام حضرت احدیت جرعه ذوق محبت چشیدید دیده را بمشاهدهء تجلی نور و شعله طور روشن کردید و خیابان دل را بطراحی گلهای معانی غبطه گلزار و چمن نمودید عاکف حرم ذوالجلالید و مقیم درگاه جمال بیمثال سرگشتهء کوی یارید و گمگشته بیابان دلبر آفاق پس بشکرانه این فضل بیمنتھی آهنگ سرور بلند کنید و از فضل موفور مجلی طور دم زنید و در قطب امکان علم افزاید و دمبدم قدم ثابت و راسختر نمائید محفل تبلیغ بیارائید و غافلان را بصبح هدی دلالت کنید بیچارگان را ملجأ و مأوی گردید و آوارگان را ملاذ و پناه دشمنان را بنوازید و بظلم و جهل و تطاول ایشان بسازید و در این گلشن سرای الهی بلحن خوشی بنوازید و آغاز طرب نمائید تا دیگران را بوجد و وله آرید تا طیور مهجور بگلشن الهی پی برند و بشاخسار معنوی هدایت یابند الیوم تبلیغ یرلیغ تأیید است و نشر نفحات سبب حصول آیات بینات